

اعیاد اسلامی و رخوت زدایی از جامعه

<?xml encoding="UTF-8">

با اینکه مناسبت های دینی و مذهبی خاستگاه و ارزش واحدی دارند، اما در میان ملل مسلمان جهان از درجات متفاوت برخوردار است و به صورت های مختلف از آنها استقبال می شود . سؤال این است که چرا در خصوص یک مناسبت واحد دینی و اسلامی اهتمام های گوناگونی صورت می گیرد و ریشه این اختلاف را در کجا و چه چیزی باید جست؟

شاید برخی از ملت ها نسبت به مسائل دینی خود حساسیت بیشتری نشان دهند و یا بالعکس در برخی از جوامع حساسیت سبت به مسائل دینی کمتر باشد، اما به طور کلی در دین اسلام، اختلاف کمی درباره مسائل و رسوم آن در میان فرق مختلف اسلامی وجود دارد .

یکی از این اختلافات، در مسائل اجتماعی اقوام و ملت ها ریشه دارد که از شرایط اجتماعی مختص به همان ملت ها ناشی می شود . بهترین مکان برای بروز و ظهور این اختلاف، مراسم حج است که اقوام و ملیت های مختلف، در یک مکان و زمان واحد و با هدفی واحد گرد هم می آیند و یک جامعه شناس اگر بخواهد به مطالعه این اجتماع بپردازد، می بیند که همگی تقریباً اعمال واحدی را انجام می دهند و با هدف واحدی مشغول حج هستند، ولی با وجود این، ما تفاوت های زیادی را مشاهده می کنیم .

گاه به نظر می رسد که این تفاوت ها در دین ریشه دارد، در صورتی که این تفاوت ها به امور دینی مربوط نیست - اگر چه رنگ و صبغه دینی دارد - در واقع این تفاوت ها به مسائل اجتماعی خاص هر ملت و جمعیت مربوط است، لیکن نکته مهم و قابل توجه این که دین اسلام ظرفیت و تحمل پذیرش عقاید و اعمالی که در چارچوب دینی آن نمی گنجد را دارد .

از جمله این مسائل که از امور حاشیه ای است، اعیاد دینی ما است؛ دو عید مهم قربان و فطر که عید قربان از اهمیت مضاعفی نسبت به عید فطر برخوردار است، زیرا پس از یک مراسم بزرگ اسلامی که چهارمین رکن عملی اسلام (حج) است، واقع شده و همه مسلمانان به آن اعتقاد دارند و در این روز شادی کرده، اطعام می کنند و هدیه می دهند . اما همین عید قربان در ملت های مختلف به دلیل آداب و رسوم متفاوت، به صورت متغیر برگزار می شود .

نکته اینجاست که اسلام به برخی از مناطق اسلامی که دارای تمدن غنی و با سابقه طولانی نبوده اند، وارد شده و مسائل نو و جدیدی را برای آن ملت ها به ارمغان آورده است و در آنجا امور مختلف در قالب دینی از سوی اسلام عرضه شده است؛ یکی از این قالب های دینی اعیاد است .

اسلام با ورود خود به برخی کشورهای اسلامی از قبیل مالزی، اندونزی و ... ، این ملل و کشورها را در مسیر تمدن و تعالی قرار داده است . اما کشورهایی مانند ایران و مصر، از پیش دارای تمدن بوده اند و حتی بیشترین خدمات را به دین اسلام ارائه داشته اند . بنابراین در اینگونه کشورها، اعیاد مختلف و مراسم سنتی نیز در قالب دین پذیرفته و پیاده شده است . در کشور اندونزی به مناسبت عید سعید فطر، تعطیلات طولانی تعیین شده، در حالی که در ایران این تعطیلات طولانی نه در مراسم عید فطر، بلکه در مراسم عید نوروز مشاهده می شود . به نظر نگارنده، این موضوع دلیل بر بی توجهی نسبت به عید فطر تلقی نمی شود بلکه ما نیاز خود نسبت به

رفت و آمد، و دید و بازدید اقوام و خویشاوندان و نیز صله رحم را در ایام نوروز جبران کرده ایم و اتفاقا این عید مورد تایید اسلام و به خصوص مذهب شیعه بوده و در روایات اسلامی دید و بازدید در نوروز و لباس نو پوشیدن و نماز نوروز (و صلات نیروز الفرس) مورد تاکید و استحباب قرار گرفته است و حتی در وسائل الشیعه انتظار ظهور حضرت حجت (عج) در این ایام ذکر شده است .

البته فقط اعیاد ما نیست که رنگ دینی به خود گرفته، بلکه در فرهنگ ایرانی ابراز غم نیز - برخلاف سایر مسلمانان - در قالب دینی شکل گرفته و تمام سوگواری های ایرانیان در غم از دست دادن عزیزان و خویشاوندان، رنگ و بوی دینی به خود گرفته است .

بنابراین می توان گفت که یکی از علت هایی که موجب شده اعیاد اسلامی در ایران، نسبت به اعیاد غیر اسلامی رونق کمتری داشته باشد، این است که آنچه مورد انتظار شده و عید است، در اعیاد ملی ایرانیان جبران می شود، ولی در کشورهای دارای تاریخ و قدمت کمتر با ورود اسلام، به همه شادی های خود رنگ و لعاب دینی داده اند . با این حال، هر دو شکل قضیه (هر دو گروه) به یک نتیجه واحد می رسند که آن ابراز شادی و مورد ستایش اسلام است .

سؤال بعدی این است که چرا ایرانی ها به عید قربان - نسبت به عید فطر - اهمیت بیشتری می دهند؟ دین اسلام با ورود به مرزها و جغرافیای ایران، یکی از خلائای اجتماعی و فرهنگی ایرانیان، یعنی سفرهای زیارتی را جبران کرده است . پیش از ورود اسلام به ایران، چیزی به عنوان سفرهای زیارتی به خارج از ایران وجود نداشته است . با ورود این مسئله و شکل گیری فرهنگ آن، حجاج شادی خود در عید قربان را با ذبح گوسفند به نفع فقرا و دیگران ابراز می کنند . لذا پاسخ ایران به این خلا فرهنگی و اجتماعی موجب شده که عید قربان در جامعه ایران، با اقبال بیشتر مسلمین مواجه شود، اما اساسا به پیروی از تعالیم و آداب اسلامی باید به عید فطر پرداخته شود . حال باید دید که این وظیفه متوجه کیست؟

فرهنگ سازی در این زمینه، در کنار ارائه راهکارها، تا حدودی باید به جامعه واگذار شود؛ یعنی اینکه نواقص و کمبودهای موجود گوشزد شود، ولی فرهنگ سازی توسط خود مردم انجام شود؛ اما نخبگان جامعه اعم از مبلغین، وعاظ و قشر اهل قلم (روزنامه نگاران) باید مراقب باشند که این فرهنگ سازی راه به بیراهه و خطا نبرد . زیرا جامعه ایرانی، همانند درختی است که فقط در آب و هوای سالم به ثمر می نشیند و بار و میوه می دهد . وظیفه نخبگان، مواظبت از آفت هایی است که ممکن است به این فرهنگ سازی سرایت کند .

ممکن است برخی به دخالت حکومت های اسلامی در امر فرهنگ سازی معتقد باشند . در این زمینه باید گفت که در جوامع اسلامی به حکومت ها با نگرش های مختلف نگرسته می شود . برخی جوامع اسلامی، همچون ایران، غالبا حکومت گریز هستند، بدلیل آنکه پیش از حکومت اسلامی و از دیرباز، مردم این خطه شاهد اعمال قدرت و حاکمیت قلدرمآبانه از بالا به پایین بوده اند و این ذهنیت از آن زمان ها شکل گرفته و به مرور زمان تقریبا تثبیت شده است . در حالی که نگرش مردم به حکومت، در کشورهایی مثل اندونزی و حتی ژاپن که غیر اسلامی است، چنین نیست و لذا مشکلات کمتری در این خصوص مشاهده می شود . کشور مالزی نیز چنین است؛ این کشور اکنون یک کشور نیمه صنعتی است و موجب افتخار تمامی کشورهای اسلامی است . اما نگرش کشورهایی چون ایران، افغانستان و به طور کلی منطقه جغرافیایی ماوراءالنهر با نگرش کشورهای جنوب شرق آسیا متفاوت است .

به هر حال، بهتر است حکومت در اینگونه موارد و کم و کیف آن دخالت کمتری داشته باشد یا حداقل دخالت

مستقیم نداشته باشد، زیرا بعید نیست که نتیجه عکس عاید آن گردد .

با توجه به این نکته، باید دید که آگاهی بخشی به جامعه فعلی و اقشار مختلف، به ویژه جوانان، درباره ارزش و منزلت اعیاد اسلامی چگونه باید باشد؟ بدیهی است که هرگز نباید بیش از آنچه که دین از ما خواسته بر مردم تحمیل شود . آنچه به مردم عرضه می شود، باید در چارچوب همان شرایطی باشد که شریعت وضع کرده و درباره آن توقع دارد .

مراجعه به تاریخ در این زمینه، بسیار راهگشا است؛ برای مثال باید دید در دوره هایی که اسلام از ثبات نسبتاً بیشتری برخوردار بوده، مسلمانان چگونه به این اعیاد می پرداخته اند، به خصوص در منطقه ای که خلفای عباسی و خلفای فاطمی حکومت داشته اند .

به نظر می رسد فرهنگ اسلامی در تمام زمینه ها، مثل بزرگداشت اعیاد مذهبی، در این دوره ها در اوج تجلی بوده و از این موارد می توان الگوبرداری نمود و با توجه به ساختار جامعه فعلی آن را پیاده کرد، قصه ها و حکایت های ذکر شده در قرآن نیز به همین منظور و برای عبرت آموزی ملل مسلمان بوده است .

بنابراین، تجربه عصر طلایی اسلام که همان دوره خلفای عباسی و قرن دوم تا پایان قرن پنجم بوده، در بسیاری از موارد عبرت آموز است . در سفارش ها و توصیه های ائمه، بویژه امام محمد باقر و امام صادق (ع) درباره اعیاد، پوشیدن لباس تمیز، معطر بودن و معاشرت نیکو با مردم، رویکرد به فرهنگی شاداب و باطراوت، و توجه به شادی ها نهفته است .

در نتیجه، اعیاد مذهبی و اسلامی، به عنوان بستری برای فرهنگ سازی معطوف به شادی، باید مورد توجه جامعه ایران قرار گیرد . این اهمیت از آن منظر مضاعف خواهد بود که توجه داشته باشیم که ایران اسلامی در مرحله ای از گذار قرار گرفته و در راه رسیدن به توسعه ای که آغاز کرده، به ناچار با مشقت های فراوانی روبرو است و عناصر اسلامی در این مسیر، می توانند کمک شایانی به تسهیل و رهوار نمودن مسیر توسعه داشته باشند .

اکنون که جامعه ایرانی عزم خود را برای دست یابی به توسعه پایدار و رشد و ترقی جزم کرده، و در این راه به تمام مشقات اجتناب ناپذیر آن تن داده است، پناه بردن به آن لایه های پنهان، اما سرنوشت ساز و تحول بخش در فرهنگ اسلامی که متضمن شادی، فرح، طراوت و نشاط است، خود به عنوان راهکاری می تواند مطرح شود و از این طریق رخوت زدایی و غم زدایی و فرح بخشی به جامعه ای که ناخواسته با یک سری رخوت ها و ناملایمات رفتاری مواجه است، تامین گردد .